

چگونه می توانیم با «شهادت شهود» به حق خود برسیم؟

مطمئنا در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد...



مطمئنا در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد، آشنایی با حقوق متقابل افراد با یکدیگر و قانون است؛ است که مهمترین اثر این آشنایی و آگاهی را می توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست؛ بنابراین، امروز تلاش داریم تا موضوع «شهادت در دادگاه» را بررسی کنیم.

حق، گرفتنی است. شاید با این عبارت و اصطلاح بارها مواجه شده باشید. حق را باید گرفت و صحیح است اگر که بگوییم فرد مستحق باید همه تلاشش را برای رسیدن به حق خود انجام دهد. در این راستا جامعه وظیفه دارد نهادهایی را سازماندهی نماید تا به همه افراد جامعه برای رسیدن به این هدف کمک نموده و از اینکه افراد به صورت خودسرانه به احقاق حق خود بپردازند، پیشگیری کند.

اصلی ترین مرجعی که در جامعه برای تحقق این هدف پیش بینی شده است، دادگستری است. رسیدن به حق در این ساختار قانونی سازوکار خاص خود را دارد و اگر این سازوکار رعایت نشود امکان دارد فرد نتواند به آنچه استحقاقش را دارد، دست یابد. یکی از راه های گرفتن حق، معرفی شاهد به دادگاه است که در این نوشتار به آن خواهیم پرداخت.

اگر مدعی هستید که حقی دارید و می خواهید برای گرفتن آن وارد دادگستری شوید، ضروری است بدانید که یکی از مهم ترین شرایط دستیابی به حق و حقوق خود در این ساختار قانونی این است که دلیل و مدرک داشته باشید؛ یعنی اگر به عنوان فردی که مدعی هستید حق با شماست و واقعا هم در خصوص موضوعی حق داشته باشید، نتوانید دلیل و مدرک ارائه کنید و ادعای خود را در دادگاه به اثبات برسانید، به حق خود دست نخواهید یافت.

در واقع قاعده این است که اگر کسی ادعایی دارد، خود اوست که باید آن ادعا را اثبات نماید. پس شما اگرچه واقعا مستحق باشید باید دلیلی به دادگاه ارائه کنید که نشان دهد واقعا حق با شماست و با آن ادعای خود را اثبات کنید. خواه به خاطر امور کیفری به دادسرا مراجعه نموده باشید و قصد داشته باشید که از کسی شکایت کنید و خواه با تنظیم دادخواست راهی دادگاه حقوقی شده باشید، باید در قسمتی از شکوائیه یا دادخواست، دلایل ادعای خود را بیان کنید. در این مرحله باز هم دست و پا باز نیست؛ یعنی نمی توانید از هر دلیلی برای ثابت کردن ادعای خود استفاده کنید، بلکه قانونگذار به صورت دقیق مشخص کرده است که با چه دلیلی می توانید ادعای خود را اثبات نمایید و این دلیل چه ویژگی هایی باید داشته باشد.

به عبارت بهتر قانونگذار دلایل محکمه پسند و تمامی شرایط آنها را مشخص نموده است. یکی از ادله های که بسیار نام آن را شنیده ایم «شهادت» است.

شهادت در دادگاه

منظور از شهادت این است که در دعوی حقوقی یا کیفری فردی غیر از طرفین دعوا درباره وقوع یا عدم وقوع امری نزد مقام قضایی خبر دهد. به عبارت بهتر شهادت یعنی اینکه فرد، مرجع قضایی را از دیده ها یا شنیده ها یا دیگر آگاهی هایی که در خصوص موضوع دعوا پیدا کرده است در جریان بگذارد؛

این آگاهی ها ممکن است به صورت اتفافی یا به درخواست یکی از طرفین دعوا برای او حاصل شده باشد. به شهادت، آگاهی یا بینه و به فردی که شهادت می دهد، شاهد یا گواه گفته می شود.

برای مثال فرض کنید شما پولی را به دیگری پرداخت کرده و هیچ رسیدی هم از او دریافت ننموده اید. پس از مدتی به آن شخص مراجعه می کنید تا مبلغ پرداخت شده را پس بگیرد اما با انکار او روبه رو

می‌شود و طرف مقابل طوری رفتار می‌کند که گویا هیچ پولی رد و بدل نشده است! در این حالت به شما هیچ رسیدی در دست ندارید اما اگر کسی شاهد این واقعه بوده و ماجرای پیش آمده میان شما و بدهکارتان را دیده باشد، می‌توانید وی را به عنوان شاهد به دادگاه معرفی نمایید؛ یعنی ابتدا ادعای خود را مطرح نموده و سپس بگویید که برای ادعایتان شاهد دارید و مشخصات شاهد را هم ذکر کنید. در این حالت دادگاه او را احضار می‌کند و حرف‌های او را ثبت خواهد کرد. شهادت از مهم‌ترین ادله‌ی اثبات دعوا به شمار می‌رود و با آن هر موضوعی قابل اثبات است. یعنی خواه در امور کیفری که مرجع صالح برای رسیدگی به آن دادرست و باید از طریق شکایت پیگیری شود و چه در امور حقوقی یا مدنی که باید در دادگاه و از طریق تنظیم دادخواست مطرح گردد، می‌توان برای اثبات ادعای خود به شهادت شهود استناد کرد.

برای اینکه شهادت مورد پذیرش دادگاه قرار بگیرد و قاضی بتواند بر مبنای آن رأی صادر کند، قانونگذار شرایطی را پیش‌بینی نموده است. اگر شاهد این شرایط و ویژگی‌ها را نداشته باشد، شهادت اعتبار نخواهد داشت. مهم‌ترین این شرایط عبارتند از:

بالغ بودن (ملاک قانونی سن بلوغ در دختران، ۹ سالگی و در پسران، ۱۵ سالگی است)؛

عاقل بودن (شاهد نباید مجنون یا دیوانه نباشد)؛

عادل بودن (مهم‌ترین معیار عدالت این است که شاهد مشهور به انجام معصیت و گناه نباشد)؛

ایمان داشتن؛

طهارت مولد (نسب شاهد باید مشروع بوده و وی نباید در اثر روابط نامشروع متولد شده باشد)؛

مشغول نبودن به تکدی‌گری؛

ولگرد نبودن شاهد.

یکی از شرایط بسیار مهم برای ادای شهادت این است که شاهد از روی قطع و یقین و بدون هیچ نوع شک و تردید نسبت به موضوع باید شهادت بدهد. اگرچه شاهد از لحاظ لغوی به معنای بیننده یا مشاهده‌کننده است اما ضرورت ندارد که فرد یک واقعه را مشاهده کرده باشد تا دادگاه بتواند او را به عنوان شاهد احضار نموده و براساس آنچه می‌گوید تصمیم‌گیری نماید، بلکه درک موضوع با حواس دیگر نیز کافی است. هرچند ذکر این نکته خالی از فایده نیست که در خصوص برخی موضوعات قانونگذار به سبب معیارهای شرعی، شرط نموده است که شاهد باید با چشم خود واقعه‌ی را که می‌خواهد در مورد آن شهادت بدهد، دیده باشد و در غیر این صورت علاوه بر این که شهادت او فاقد اعتبار خواهد بود، مجرم نیز محسوب می‌شود. مهم‌ترین این موارد، شهادت برای برخی جرایم همچون زنا و لواط است. قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است که در این جرایم شهادت باید مستند به مشاهده باشد؛ یعنی فرد باید این قبیل امور را با چشم خود دیده باشد. اگر این ویژگی محقق نشود و فرد بدون اینکه وقوع این جرایم را با چشم خود دیده باشد، در دادگاه برای ادای شهادت حاضر شود، به عنوان مجرم تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. نکته‌ی مهم دیگر آنکه بررسی و احراز ارزش و اعتبار شهادت برعهده‌ی دادگاه رسیدگی‌کننده است و اگر قاضی به خلاف آنچه که شهود ابراز نموده‌اند علم نداشته باشد، باید براساس آن رأی صادر نماید.

نصاب لازم برای ادای شهادت در دادگاه (شرایط کمی شهود)

شهادت برای اینکه بتواند به عنوان دلیل اثباتی به مدعی کمک نماید تا ادعای خود را در خصوص داشتن یک حق اثبات نماید، علاوه بر داشتن شرایطی که پیش‌تر ذکر شد باید از لحاظ کمی و عددی هم به اندازه‌ی قانونگذار پیش‌بینی کرده است برسد تا اعتبار داشته باشد. اینکه با چند شاهد می‌توانیم ادعای خود را اثبات نماییم در موضوعات مختلف، متفاوت است. نصابی که توسط قانونگذار برای موضوعات مختلف تعیین شده است به شرح زیر است:

اصل طلاق و اقسام آن، رجوع در طلاق، دعاوی غیرمالی از قبیل مسلمان بودن، بلوغ، جرح و تعدیل، عفو از قصاص،

وکالت و وصیت با شهادت دو مرد.

دعاوی مالی یا آنچه مقصود از آن، مال است از قبیل دین، ثمن مبیع، معاملات، وقف، اجاره، وصیت به نفع مدعی، غصب و اصل نکاح با شهادت دو مرد یا شهادت یک مرد و دو زن.

دعاوی که معمولاً زنان در مورد آن اطلاع دارند مانند تولد و رضاع با شهادت چهار زن یا یک مرد و دو زن.

کلیه جرائمی که با شهادت دو شاهد مرد قابل اثبات است مگر در زنا، لواط، تفریض و مساحقه که با چهار شاهد مرد اثبات می‌شود. جنایات موجب دیه با شهادت یک شاهد مرد و دو شاهد زن نیز قابل اثبات است.

مجازات اداى شهادت دروغ در دادگاه

قانون مجازات اسلامی در ماده ۶۵۰ صراحتاً اداى شهادت دروغ را ممنوع اعلام نموده و آن را جرم انگاری کرده است. مطابق این ماده هرکس نزد مقامات رسمی به دروغ شهادت دهد، به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس یا یک میلیون و پانصد هزار تا ۱۲ میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. ماده ۱۳۱۹ قانون مدنی مقرر داشته است که اگر معلوم شود فردی که به عنوان شاهد حاضر شده، به دروغ شهادت داده است، دادگاه بر مبنای شهادت او رأی صادر نخواهد کرد اما اگر دادگاه بر مبنای شهادت این فرد و به زیان کسی رأی صادر نماید و پس از صدور رأی یا اجرای حکم، دروغ بودن شهادت معلوم شود، فردی که شهادت دروغ داده است علاوه بر تحمل مجازات حبس یا جزای نقدی باید خسارتی که به سبب شهادت او بر دیگری وارد شده است را جبران نماید. با توجه به چنین احکام کیفری و مدنی که قانونگذار برای شهادت دروغ وضع نموده است، ماده ۲۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی قضات را مکلف کرده که قبل از اداى شهادت توسط شاهد، به او تذکر بدهد که اداى شهادت دروغ جرم است و چنین نتایجی را به دنبال دارد.